

سال گذشته مطرح شد که در بحث مطهریت شمس باید در شش مقام بحث شود.

مقام اول: اصل اثبات مطهریت این مطهر است که آیا واقعا چنین مطهری ما داریم یا نه

مقام دوم: در تعیین ما یطهر بالشمس است که بحث را در این مقام ثانی شروع می کنیم.

مقام سوم: در شرایط مطهر (بالکسر) است. خورشید در ظل چه شرایطی مطهر است.

مقام چهارم: در شرایط مطهر (بافتح) است. چیزهایی که با خورشید پاک می شوند چه شرایطی باید داشته باشند.

مقام پنجم: در خلل است. یعنی مقام شک که وقتی شک می کنیم در یکی از شرایط مطهر (بالکسر) یا مطهر (بافتح) حکم چیست.

مقام ششم: در پاره ای از امور صغروی است که بین فقهاء محل کلام است که آیا فلان چیز دارای شرایط تطهیر شمس است یا نه.

ما بحث را این گونه تنظیم کرده ایم اما صاحب عروه مانند دیگر متون فقهی این مسائل را در هم آورده اند و منظم نکرده اند.

صاحب عروه تبعا لسائر العلماء اشیائی که یراد تطهیرها بالشمس را به دو قسم تقسیم کرده اند:

قسم اول: الارض و کل ما لا ینقل مثل ساختمان و درختان

قسم دوم: ما ینقل مثل انسان و البسه و اوانی و ...

در قسم اول صاحب عروة اختیار فرموده که زمین و هر چه ما لا ینقل است یطهر بالشمس و در قسم دوم اختیار فرموده اند که هیچ کدام قابل تطهیر نیست مگر حصیر و بوریا

ما مثل ایشان بحث را در دو مقام قرار می دهیم:

مقام اول: در ارض و ما لا ینقل

مجموعاً سه قول اساسی وجود دارد:

قول اول: صاحب جواهر و صاحب مصباح الفقیه این قول را از ابن براج در مذهب نقل می کنند: هیچ غیر منقولی به واسطه شمس پاک نمی شود. بلکه فقط حصیر و بوریا که از منقولات هستند به شمس پاک می شود. این قول، قول عجیبی است که از ایشان نقل شده است.

قول دوم: همه ما لا ینقل ها به شمس قابل تطهیر هستند. مرحوم امام قریب به این قول را انتخاب کرده اند.

صاحب عروه و شیخ عبدالکریم حائری این قول را اختیار نموده اند و مرحوم امام هم قریب به این قول را انتخاب نموده اند که البته در قول سوم نقل می شود.

قول سوم: تفصیل. کسانی که تفصیل داده اند اقوالی دارند که به بعضی اشاره می کنیم.

مرحوم امام فرموده اند همه غیر منقولها پاک می شوند مگر امثال میخهایی که در دیوار می کوبند که مراد میخهایی است که در قوام ساختمان نقشی ندارد. اما مثلاً میخهایی که در دیوار است برای اتصال تیر چوبی به تیر چوبی دیگر نیز با خورشید پاک می شود برخلاف میخهایی که در دیوار می کوبند مثلاً برای آویزان کردن لباس. البته ایشان نسبت به اشجار و نباتات هم دل مشغولیتی دارند اما بالاخره فتوا به طهارت آنها داده اند.

مرحوم بروجردی در مثل اشجار و نباتات فرموده اند تردد است. بنابراین اراضی و ابنیه را با شمس قابل تطهیر می دانند همچنین چیزهایی که ثابت در ارض قرار می دهند مثل منبع های آبی که ثابت در زمین قرار می دهند.

آیت الله سیستانی مثل اشجار و امثال آن را مورد تردد قرار می دهند.

بنابراین در ارض و ما لا ینقل سه قول وجود داشت: سلب کلی، اثبات کلی و تفصیل

تحقیق در مسئله:

برای تحقیق مسئله به خاطر عدم تطویل وارد تک تک اقوال و بررسی آن ها نمی شویم. بلکه به ادله مسئله مراجعه کنیم. ما غیر از روایات دلیل معتبر دیگری نداریم. بنابراین باید به روایات مراجعه شود وقتی به روایات مراجعه می کنیم به چند عنوان را برمی خوریم که به واسطه شمس پاک می شود.

اول: عنوان سطح یعنی پشت بام

دوم: ارض

سوم: الموضع القدر

چهارم: المكان الذي يصلى فيه

پنجم: كل ما اشرقت عليه الشمس يا ما اشرقت عليه الشمس

و اما از عنوان آخرى كه اوسع العناوين است شروع مى كنيم.

حديث پنجم و ششم از روايات باب 29 از ابواب نجاسات وسائل الشيعه

و بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ مَا أَشْرَقَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ فَقَدْ طَهَّرَ

و يَهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ كُلُّ مَا أَشْرَقَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ فَهُوَ طَاهِرٌ

وسائل الشيعه ج : 3 ص : 453

بزرگان زيادى فرموده اند كه نمى توان موضوع را به اين اعمى قرار داد و مناقشاتى
كرده اند:

مناقشه اول: سندی

سه وجه براى مناقشه سندی بيان شده است

محقق اردبیلی در مجمع الفائده و البرهان ج 1 ص 353 در عثمان بن عبدالملك اشكال
كرده اند كه مجهول است. (و فى سندھا عثمان و هو غير طاهر الحال و ما رايته فى
الكتب)

در پاورقى تهذيب هم در ابى بكر حضرمى اشكال كرده است علاوه بر اينكه عثمان بن
عبدالملك را مهمل يا مجهول مى داند. (ابوبكر عبدالله بن محمد الحضرمى لم يوثق و
راويه عثمان بن عبدالملك مهمل او مجهول) مهمل يعنى اينكه در كتب ذكرى از او نيامده
است اما مجهول يعنى اينكه نامى آمده است و لكن حال او مشخص نشده است فقط نام
او آمده است. بنا بر اين در پاورقى تهذيب دو اشكال است يكى به ابوبكر حضرمى و يكى در
راوى او عثمان بن عبدالملك

مرحوم خويى هم در فقه الشيعه فرمود اند كه هر دوى اينها محل اشكال هستند.

همه اينها بنا بر اين است كه مشخص باشد كه ايشان عثمان بن عبدالملك است اما اگر

گفتیم که عثمان بن عبدالملک مردد بین ایشان و عثمان عبدالله است اشکال محکم تر می شود. زیرا عثمان بن عبدالله دیگر هیچ توثیقی ندارد ولو اینکه عثمان بن عبدالملک توثیق داشته باشد بنابراین امر مردد می شود بین کسی که توثیق دارد و کسی که توثیق ندارد و تمسک به دلیل در شبهه مصداقیه خود دلیل می شود زیرا خبر ثقه حجت است و این اول کلام است که آیا این خبر ثقه است یا نه.

این اشکال اشکال خیلی مهمی است و برای ما هم این دو روایت خیلی مهم است. و بعدا خواهیم گفت که به بقیه عناوین خیلی نمی توان دل خوش کرد فلذا در مورد این دو روایت مفصل بحث خواهیم کرد.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.